

Journal Iranian Political Sociology

Vol. 5, No.9, Azar 2022

<https://dx.doi.org/10.3051/psi.2022.294628.1981>

Role of custom in the non-financial rights of spouses in Iran's legal system (Islamic religions and official religions)

Abstract

Spouses's rights is one of civil law's concepts which not only has a legal aspect, but also it is full of customary and moral aspects and also has the both feature of financial and non-financial. The greatest use of customary law in Holy Quran is about spouses's rights and regulating relations between them.

For this very fact, ignoring the role of custom in spouses's rights conduces substantial challenges in the society. The purpose of this article is going to discuss about role of custom in some non-financial rights of spouses, such as Family headship, the Fulfill of duties, and Good behavior in Iran legal system Islamic religionst of in a descriptive analytical method. In this paper, while clarifying the scope of the custom and recognizing it as a source of legislation, Finally, we will realize that, although the custom in the legal system of Iran, most of all, in the case of the silence of the text, has a complementary and explicit role; However, it has a role to play. In many cases, the practical application of the Jurisprudence and the law is used also, the role of custom in the tradition of the Sunni is that what is considered to be a good and suitable custom is also pleasing to God. The role of custom on the rights of minorities (The Jew, Zoroastrian, and Christian), according to their customary religious practices, can not be denied, and is the source of law.

Keywords: Custom, Good behavior, Headship of husband, Fulfill of duties, official religions

نقش عرف سیاسی در حقوق غیرمالی زوجین ازدیدگاه حقوق ایران (مذاهب اسلامی وادیان**رسمی) تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۷**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

فرهاد پروین^۱لیلا رادپاسند^۲**چکیده**

حقوق زوجین یکی از مهمترین بخش‌های حقوق مدنی است که جنبه حقوقی صرف ندارد بلکه آمیخته با مسائل عرفی (آداب و رسوم اجتماعی) و اخلاقی است و دارای هر دو جنبه مالی و غیرمالی است. بیشترین کاربرد واژه‌ی عرف در قرآن، مربوط به حقوق زوجین و تنظیم روابط میان آن دو است. از این رو بی‌توجهی به نقش عرف در حقوق زوجین سبب به وجود آمدن چالش‌های بنیادی در جامعه می‌شود. هدف از نگاشتن این مقاله، تبیین جایگاه عرف در برخی از مسائل حقوق غیرمالی زوجین، مانند ریاست خانواده، تمکین و حسن معاشرت ازدیدگاه حقوق ایران، مذاهب اسلامی و ادیان رسمی به روش تحلیلی توصیفی است. در این مقاله ضمن تبیین حدود عرف و شناساندن آن به عنوان منبع قانونگذاری، در نهایت به این مسأله واقف خواهیم شد که گرچه عرف در نظام حقوقی ایران، بطور عمده در موارد سکوت نص، نقش تکمیلی و تفسیری دارد؛ اما گاه نقش امری داشته و در بسیاری از موارد به صورت کاربردی در فقه و حقوق استفاده می‌گردد. همچنین نقش عرف در نزد اهل سنت تا بدان حد است که آنچه در نزد عرف نیکو و پسندیده شمرده می‌شود، نزد خداوند نیز پسندیده محسوب می‌گردد. نقش عرف در حقوق اقلیت‌ها (کلیمی، زرتشتی و مسیحی [کاتولیک، پروتستان و ارتدکس]) نیز طبق رسوم و عادات مذهبی خودشان قابل انکار نیست، و منبع حقوق محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: عرف، حسن معاشرت، ریاست زوج، تمکین^۱دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). fa.parvin@gmail.com^۲دانشجو دکترای حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. lei.radpasand@gmail.com

حقوق در یک تقسیم بندی کلی، به دو دسته مالی و غیرمالی تقسیم می‌شود. خانواده نیز به عنوان یک نهاد حقوقی، هردو جنبه مالی و غیرمالی را دارا می‌باشد. اما از آنجا که، نکاح خود یک قرارداد غیرمالی است. بررسی حقوق و روابط غیرمالی همسران، در آن بسیار حائز اهمیت است. حقوق غیرمالی زوجین، بیش از سایر رشته‌های حقوق، تحت تأثیر عرف و روابط اجتماعی قرار دارد و مراجعه به قانون مدنی، به وضوح این مطلب را ثابت می‌کند. حقوق خانواده، از آنجا که وابستگی شدیدی به عرف و اخلاق دارد، در طول زمان، همیشه دستخوش تغییرات زیادی بوده است. نظرات فقها و اندیشمندان هم، از عرف و نگرش غالب مردم زمان آنها، بی تأثیر نبوده است. اکنون این پرسش مطرح است که آیا با تحولات زمان و مکان، قوانین و مقررات حقوق غیرمالی زوجین قابل تجدیدنظر هستند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، تغییر شیوه زندگی که متأثر از اوضاع فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دیگر زمینه‌های زندگی اجتماعی است، در دگرگونی این قوانین چه اثری دارد؟ و نقش آفرینی عرف در حقوق غیرمالی زوجین چگونه است؟ از این رو ابتدا تعریف مختصری از عرف بیان داشته و سپس نقش عرف در حقوق و تکالیف غیرمالی مختص و مشترک میان زوجین از دیدگاه حقوق ایران (مذاهب اسلامی و ادیان رسمی) بررسی می‌گردد. هدف ما در این مقاله این است که با مراجعه به قانون مدنی و تفقه در آیات قرآن و احادیث معتبر اسلامی، حقوق غیر مالی زوجین را با توجه به روح و محتوای کلی اندیشه اسلام، و همچنین عرف و سیره مسلمین، که گاه آمیخته به تعصبات و ستمهایی علیه زن بوده است، مورد بررسی قراردادها و سپس آنها را با مذاهب اسلامی و ادیان رسمی تطبیق نموده تا گامی در جهت کاستن معضلات و بازنگری مواد قانونی برداشته شود.

۱. تبیین مفاهیم

در اینجا معنی عرف و واژه‌های مرتبط با آن و تفاوت عرف با مفاهیم مشابه بیان شده تا هرگونه ابهام در شناسایی عرف از بین برود. سپس انواع و جایگاه آن ذکر شده است.

۱-۱. تعریف عرف

عرف در لغت دارای معانی متعددی است؛ مثلاً عرف از نظر ابن منظور، هر چیزی است که نفس آدمی آن را نیکو شناسد و بدان خو گرفته و آرامش یابد، (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۹: ۲۳۹) و از نظر فراهیدی، همان معروف و کاری است که از نظر عقل و شرع نیک باشد. (فراهیدی، ۱۴۲۴ق، ۴: ۱۲۱). اما عرف در اصطلاح حقوقی به معنی قاعده‌ای است که به تدریج و خود به خود، میان همه‌ی افراد جامعه یا گروهی از آنها به عنوان قاعده‌ای الزام‌آور شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۷۸)؛ پس معلوم می‌شود که در عرف دو ویژگی عمومیت و الزام، دو رکن لازم است. همچنین به نظر عده‌ای از حقوقدانان، علت این که کلمه معروف در مورد عرف و عادت به

کاربرده می شود این است که آن ها معتقدند؛ وقتی چیزی به صورت عرف در می آید که اکثریت قوم یا ملت ، آن را نیکو بدانند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۵۵).

۲-۱. تعریف عادت و تفاوت آن با عرف

در فقه اسلامی عرف و عادت به یک معنی به کاررفته ، اما از برخی تعریف ها برمی آید که آن دو از نظر مفهوم مختلف ولی از نظر مصداق متحدند. چنانچه از نظر راغب اصفهانی، «عادت» از ریشه «عود» و به معنای بازگشت است که با تکرار پیایی عمل ایجاد می شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ۲: ۴۵۶) و در آن، «اجبار» و «الزامی» وجود ندارد. پس وجه ممیزه و فرق عرف و عادت در رابطه مفهومی آن دو «عموم و خصوص من وجه» باشد (جبار گلباغی ماسوله، ۱۳۷۸، ۱: ۵۹).

۳-۱. سیره متشرعه و تفاوت آن با عرف سیره در لغت به معنای عادت و روش است (معین، ۱۳۸۶، ۱: ۹۰۸) و در اصطلاح فقهای اصول عبارت است از استمرار روش و رفتار عمومی و تباری آنان بر انجام یا ترک چیزی که اگر مراد از مردم همه ی مسلمانان یا تنها خصوص گروهی از آنان باشد، آن را سیره ی متشرعه نامند (مظفر، ۱۴۰۵، ۳: ۱۷۴). همانند اقامه ی نماز ظهر در روز جمعه. سیره متشرعه را می توان عرف مذهبی در مقابل عرف عام دانست. از لحاظ منبع بودن، تفاوت بین عرف و سیره عملی متشرعه این است که بسیاری از دانشمندان جامعه اهل سنت، عرف را به عنوان منبع مستقل شناخت احکام پذیرفته اند، همانگونه که سیره را به این عنوان مورد پذیرش قرار داده اند. ولی فقهای امامیه ، آن را به عنوان منبع مستقل و به گونه مطلق نپذیرفته اند، بلکه اعتبار آن را در صورتی قبول دارند که موافقت معصوم (ع) از آن طریق کشف شود (جناتی، ۱۳۶۹: ۲۱-۲۰).

۴-۱. انواع عرف

عرف انواعی دارد، مانند: عرف لفظی، عرف عملی، عرف عام، عرف خاص، عرف متأخر، عرف مقارن، عرف صحیح و عرف فاسد؛ که مجالی از تعریف یکایک آن در مقاله نیست. (تقدیری، ۱۳۸۳: ۱۵).

عرف مورد بحث در این مقاله «عرف عام» یا «عرف جامعه امروزی» می باشد.

۵-۱. جایگاه عرف در فقه و حقوق

زندگی اجتماعی انسانها همواره حقوقی رادر پی داشته که افراد ملزم به رعایت آن بوده اند. بعضی از این حقوق به صورت عرف و عادت بین انسان ها رواج داشته است که خود مؤید سابقه دیرینه عرف در تقنین و بیانگر اهمیت آن است. بنابراین، در عین این که عرف از مسائل مهم در مباحث حقوقی است همزمان برای انطباق پاره ای از احکام فقهی با مقتضیات زمان و مکان به کار می آید و می تواند در استنباط های فقهی و حقوقی و ارائه قرائت ها و تفسیرهای جدید حقوقی مؤثر باشد (برندق، ۱۳۹۵: ۲۱۴-۲۱۳).

پس می توان عرف را عامل حیاتی حقوق دانست که از کهنگی و فرسودگی حقوق جلوگیری کرده و آن را همواره در تطبیق با نیازهای مردم متغیر و متحرک نگه می دارد تا نظام فقهی و حقوقی همگام با زمان و پیشرفت های جامعه تکامل یابد.

۱-۶. جایگاه عرف در قانون

با این که در کشور ما « حقوق نوشته و مدون» احترام فراوان دارد، و منبع اصلی حقوق، قانون است، اما عرف نیز در ساختمان قواعد حقوقی اثر بسزا دارد. قدرت عادات و رسوم در حقوق ما به حدی است که پیش از احاطه به آن، مطالعه ی قوانین تا اندازه ای بیهوده بنظر می رسد و یکی از منابع اصلی اصول حقوقی بود که در ماده ۳ آ.د. م. سال ۱۳۱۸ در زمره مستندهای فصل دعاوی آمده بود. اما در ماده ۳ آ.د. م. سال ۱۳۷۹، عرف به طور غیر صریح به عنوان منبع شمرده شده است.

همچنین در مواردی، عرف قواعد موجود را تکمیل می کند یا قاعده جدید می سازد (قواعد عرفی مستقل از قانون) و نیز در صورتی که قانون حکمی ندارد یا مفاد آن مجمل است، و از منابع معتبر اسلامی و فتاوی نیز دادرسی نمی تواند حکم قضیه را بدست آورد؛ در این صورت از عرف و عادات مسلم برای تکمیل و رفع اجمال و تعارض قوانین استفاده می شود. مضافاً این که بعضی از استادان حقوق (امامی، ۱۳۷۲، ۴: ۷۷) در بسیاری از مسائل مربوط به خانواده، عرف و عادت مسلم را مبنای نظر خویش قرار داده اند. بنابراین در بسیاری از اصول حقوقی رد پای عرف را می توان دید.

۱-۷. حقوق و تکالیف اقلیت های دینی در قوانین ایران

مطابق اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی، دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و مذاهب دیگر اسلام اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و تعلیمات دینی در حدود قانون و بر طبق آئین خود عمل می کنند. در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای بر طبق آن مذاهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب. همچنین نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی و به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه، حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان در دادگاه ها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد، تصریح گردیده است.

^۱ مثالی برای عرف مستقل از قانون، می توان لزوم تهیه تمام یا بخشی از لوازم زندگی توسط خانواده زوجه (جهیزیه) را ذکر نمود.

۲. حقوق غیرمالی مشترک زوجین و نقش عرف در آنها

خانواده مجموعه ای از قواعد حقوقی و اخلاقی است که قواعد اخلاقی بر آن غلبه دارد. ضمناً قانون به تنهایی توانایی ایجاد نظم در آن را ندارد (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ۱: ۲۱۲). طبق ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی، همین که نکاح به طور صحیح واقع شد روابط زوجیت برقرار می شود. نظام حقوقی اسلام جهت تداوم بخشیدن به محیط و اجتماع کوچک خانواده، برای هر یک از زن و شوهر حقوقی در نظر گرفته و در مقابل این حقوق، وظایفی را نیز برای آنان تعیین کرده است. در این مقله، حقوق غیرمالی مشترک زوجین و نقش عرف در هر کدام از آنها از دیدگاه فقه و حقوق ایران، مذاهب اهل سنت و ادیان رسمی تبیین می شود.

۱-۲. حسن معاشرت و نقش عرف در تبیین آن

۱-۱-۲. ازدیدگاه فقه و حقوق ایران

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۱ قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است. و وجود همسران با این ویژگی ها یکی از موهبت های الهی محسوب می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ۱۶: ۴۱۲؛ بیستونی، ۱۳۸۴، ۱: ۱۷ و ۱۶). این آیه اشاره به حسن معاشرت میان خانواده دارد که باعث استحکام زندگی خانوادگی می گردد. همچنین از نظر قرآن کریم، اساسی ترین اصل در رفتار و تعامل بین زوجین، معاشرت به معروف است که صریحاً از آیه شریفه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۲ گرفته شده است.

معاشرت به معنای انس و شویوه ارتباط زوج با زوجه بوده است. بسیاری از نویسندگان نیز، آیه «عاشروهن بالمعروف» را، فقط ناظر به همین معنا می دانند. اما برخی دیگر، آن را ناظر به معاشرت به معروف زوجین می دانند، و هردو را مکلف به این امر می نمایند (صنعی، ۱۳۸۹: ۱۵). در روایات اسلامی نیز در موارد گوناگون به خوش رفتاری با زن سفارش شده است؛ از جمله روایتی از رسول اکرم (ص) که فرمودند: «خیرکم خیرکم للنساء و أنا خیرکم لنسائی»^۳ (شیخ صدوق، ۱۴۱۰ق، ۳، ۲۸۱) و روایتی از امام علی (ع) که می فرماید: «با زنان خوش گفتار و نیکو سخن باشید تا ایشان هم خوش رفتار باشند»^۴ (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ۲۰: ۱۸۰؛ حرعاملی، ۱۳۷۶، ۲: ۳۳۳ و ۳۳۲؛ طبرسی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۰۳). این روایت در واقع به یک نکته روان شناختی زن اشاره کرده است، که گفت و گو و احترام به زنان برای آنان بسیار لذت بخش است.

حسن معاشرت مفهوم عرفی دارد و بر حسب زمان و مکان، آداب و رسوم هر جامعه، اقوام و خانواده ها متفاوت است. طبق بند ۲ ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ (بند ۴ ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی جدید) به زوجه این حق

^۱ «از نشانه های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آن ها آرامش یابید.» روم/۲۱

^۲ «با همسرانتان با اخلاق نیکو معاشرت نمایید.» سوره نساء/۱۹.

^۳ بهترین شما مردی است که بازنش خوش رفتارتر باشد و من از همه شما نسبت به زنانم خوش رفتارترم.

^۴ «وَأَحْسِنُوا لَهُنَّ الْمَقَالَ لَعَلَّهُنَّ يَحْسِنَنَّ الْفِعَالَ»

داده شده که هرگاه زوج سوء معاشرت داشته باشد از دادگاه تقاضای طلاق نماید و همچنین هرگاه سوء معاشرت از سوی زوجه باشد طبق بند ۴ از ماده ۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، زوج می تواند تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نموده و طلاق بگیرد (یزدی، ۱۳۹۲، ۲۳۵-۲۳۴). زیرا سوء معاشرت زن استحقاق او را در گرفتن نفقه طبق ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی از بین می برد.

۲-۱-۲. از دیدگاه مذاهب اهل سنت

در اینجا نظر مفسرین اهل سنت در رابطه با حسن معاشرت گفته شده تا نظر عرف جامعه اهل سنت تبیین گردد. خداوند در قرآن می فرماید: « وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ » که منظور احسان زوج نسبت به زوجه در قول و فعل و اخلاق است.

ابن کثیر از مفسرین شافعی مذهب، حسن معاشرت با زنان را در این می داند که حقوق زن و نفقه را به طور کامل پرداخته و در برابر زن، بدون سبب و تقصیر گناه رو ترش نکند. در هنگام سخن گفتن گشاده رو باشد و به کس دیگر اظهار تمایل نکند (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۲: ۲۱۲).

« رشیدرضا » در تفسیر المنار می نویسد: « در مفهوم معاشرت مشارکت و برابری نهفته است؛ یعنی مردان با زنان بر اساس متعارف رفتار کنند و زنان نیز با مردان بر پایه معروف معاشرت داشته باشند (رشیدرضا، ۱۳۴۲ق، ۴: ۳۷۴) ».

پس طبق نظر عرف اهل سنت، مردان باید با زنان به طوری معاشرت کنند که مرسوم و عرف جامعه است. بنابراین مصادیق حسن معاشرت غالباً با عرف جامعه نقطه مشترک دارد. همچنین قانون و شرع با عرف در این مورد تعارضی ندارد.

۲-۱-۳. از دیدگاه ادیان رسمی

در آیین زرتشتیان، زن و مرد پس از تاریخ ثبت ازدواج ملزم به رعایت حقوق و تکالیف متقابل می باشند که یکی از آن موارد حسن رفتار میان زوجین می باشد، که در قانون سخنی از آن به میان نیامده است؛ بنابراین رفتار مسالمت آمیز و خوشرویی از امور عرفی است. همچنین طبق ماده ۲۷ و ۲۸ آیین نامه احوال شخصیه زرتشتیان، هرگاه ثابت شود هریک از زوجین نسبت به هم بد رفتاری و یا ستم و بی رحمی روا داشته که خطر جانی، مالی و شرافتی داشته و ادامه زندگی آنان پس از اندرزهای بزرگترها و رسیدگی شورای حل اختلاف انجمن زرتشتیان محل سکونت میسر نباشد می توانند تقاضای طلاق کرده و از هم جدا شوند. بنابراین عرف، نقش تعیین کننده ای داشته و عرف جامعه با قانون تعارضی ندارد.

از نظر مسیحیان ازدواج فقط وسیله ای برای پاک شدن از گناهان و تأمین کننده نیازهای جسمی می باشد که دو شخص با یکدیگر برای زندگی مشترک و همکاری متقابل متعهد می شوند. در میان مسیحیان کاتولیک، طلاق زن

وازدواج مجدد، حرام بوده و در حکم زنا به شمار می آید. اما در صورت اختلاف شدید مابین زوجین، طلاق با اجازه کلیسای خود، پیش بینی شده است. که این از موارد سوء معاشرت است (افشار، ۱۳۸۵: ۱۲۰). همچنین با توجه به اینکه در مقررات احوال شخصیه ارامنه گریگوری در باب حقوق و تکالیف ناشی از ازدواج سخنی از حسن معاشرت میان زوجین نیامده است؛ در بند (ز) ماده ۴۳ آیین نامه احوال شخصیه ارامنه گریگوری، یکی از موجبات طلاق را اختلاف شدید اخلاقی و ستیزگی، سلوک بد و تعدی عنوان نموده است، که بیانگر این مطلب است که باید زوجین با هم به الفاظ زیبا بدون توهین و تحقیر شخصیت صحبت کنند و رفتاری نیکو داشته باشند. در صورت سوء معاشرت، هریک می توانند به دادگاه مراجعه کنند تا حکم طلاق در محکمه دینی طبق عرف و عادات مسلمة آنان صادر گردد. در آداب و رسوم یهودیت، ازدواج امری بسیار مهم و مقدس و پایه و بنیان خانواده شمرده شده و هدف آن، عفت، پاکدامنی و همچنین وفاداری بر پایه اتحاد و همبستگی بین زن و مرد می باشد. در شریعت یهود نیز در صورت ناسازگاری بین زن و مرد، عهد شکنی شوهر و رفتار ظالمانه؛ اگر بت دین^۱ به نفع زن حکم کند، آن گاه توسط خاخام، شوهر را مجبور به موافقت به طلاق می کنند. به شرطی که زن و شوهر در زمان ازدواج آن را بپذیرند (عزیزی خادم، ۱۳۹۳: ۸۰). بنابراین می توان گفت: در تمام مذاهب رسمی جز کاتولیک، طلاق ضمانت اجرا برای سوء معاشرت از طرف قانون در نظر گرفته شده که با عرف جامعه سازگاری دارد.

۲-۲. معاضدت در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد و نقش عرف در تبیین آن

۲-۲-۱. ازدیدگاه فقه و حقوق ایران

مراد از تشیید مبانی خانواده، تلاش زن و مرد در نزدیک ساختن منش و روش و خلق و خوی زن و مرد به یکدیگر است؛ به گونه ای که از ارتباط صمیمی و تفاهم آن دو در ابعاد مختلف، یکی شدن و وحدت و در نتیجه استحکام پیوند زناشویی حاصل شود (میرخانی، ۱۳۸۰: ۲۵۵). همچنین زن و شوهر باید در استواری پایه های خانواده و تربیت فرزندان خویش با یکدیگر همکاری نمایند. حکم ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی در باره زوجین است. شوهر نیز باید همسرش را در اهداف مذکور یاری نماید (قاسم زاده، ۱۳۹۵: ۳۸۷). در حقوق ایران، زن و شوهر باید جهت استحکام بنای خانواده، به هنگام گرفتاری و بیماری، کلیه اقداماتی که به حکم عرف برای درمان بیمار ضرورت دارد، انجام داده و همانند دوشریک از مراقبت یکدیگر کوتاهی ننمایند. تعیین حدود این وظیفه نیز با عرف و عادت و مقتضیات زمان و مکان است (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۱؛ ۲۲۰). بنابراین از نظر حقوقدانان «معاضدت» مفهومی عرفی است؛ و انجام تکالیف توسط زن و مرد، وظیفه ای اخلاقی و حقوقی است و خودداری هریک از زوجین، باعث مراجعه طرف دیگر به دادگاه و الزام متخلف به ایفای وظیفه می شود. برخی گفته اند: امتناع، سرپیچی از دستورات شوهر و رفتار ناپسند داشتن زن نسبت به شوهر، جزء موارد نشوز و موجب عدم استحقاق نفقه است و بی مبالاتی و خشونت ورزیدن مرد نسبت به همسر نیز ممکن است، به عنوان سوء معاشرت و ایجاد عسر و حرج، سبب نشوز مرد گردیده و مستند درخواست طلاق از طرف زن قرار گیرد (مرادخانی، ۱۳۹۴:

^۱ دادگاه شرعی یهودیان.

بنابراین عرف اهل تسنن با قانون و شرع تعارضی ندارد. نظر امامیه با اهل سنت در صورت فقدان پدر و مادر متفاوت است. امام خمینی (ره) در این باره گفته است: «در صورت فقدان پدر و مادر، حضانت حق جدپداری است.» اما فقهای اهل سنت گفته اند: «سرپرستی به کسی می رسد که از لحاظ توان و اخلاق مقدم باشد و اگر مساوی باشند کسی که بزرگتر است مقدم است (همان: ۱۶۲).»

پس نظر اهل سنت تأثیر بیشتری از عرف را، نسبت به شیعه، پذیرا شده است.

۲-۲-۳. از دیدگاه ادیان رسمی

در کتاب میدراش^۱، زنی که خواست شوهرش را انجام دهد، زن آرمانی است. ابن میمون می نویسد: «حکیمان به زن {یهودی} فرمان داده اند که بلید در داخل خلنه خویش با حجب و حیا باشد و شوهرش را احترام کند و از او بترسد. و به شوهر دستور داده اند که با او به ملایمت سخن گوید و تندخو نباشد. بنابراین در ادیان رسمی نیز لزوم معاضدت زوجین جهت تحکیم بنیان خانواده طبق عرف و عادات مسلمه آنها وجود دارد. همچنین حضانت طفل از وظایف مشترک والدین می باشد. مانند: ماده ۱۳۷ مقررات احوال شخصیه مسیحیان پروتستان ایران که بیان می کند: «نظارت در تعلیم و تربیت و معاشرت و رفتار و رشد اخلاقی و روحانی فرزندان و تأمین سلامت جسمانی و روانی و دینی آنها، و وظیفه مشترک والدین می باشد.» همچنین ماده ۳۸ آیین نامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران که عنوان می کند: «نگهداری فرزند از حیث معاش و تربیت برعهده والدین است و در صورت فوت یکی از والدین برعهده آن دیگری که زنده است، خواهد بود. همچنین در ماده ۴۰ قواعد مسیحی ارامنه گریگوری آمده است: «مادر در نگهداری فرزندان مشترک حق و وظیفه دارد و باید به پدر مساعدت یابد و در صورت غیبت یا بیماری وی یا موارد مشابه بجای او عمل نماید.» و در تمامی این ادیان، ازدواج مجدد مادری که عهده دار حضانت طفل صغیر می باشد، مانع از حق تقدم وی برای حضانت فرزند شده و این حق او را ساقط می نماید.

بنابراین دانسته شد؛ میان عرف جوامع مسیحی، زرتشتی و یهودی با شیعه تعارضی نیست. ولی در صورت ازدواج مادر، در تقدم حضانت، میان عرف جامعه اهل تسنن با عرف ادیان رسمی و اهل تشیع تعارض وجود دارد.

۲-۳-۳. وفاداری و نقش عرف در تبیین آن

۲-۳-۱. از دیدگاه فقه و حقوق ایران

از معنای اصطلاحی وفاداری - التزام در پیمان زناشویی و پایداری در همبستگی عاطفی و جنسی - (محمدی سرپیری، ۱۳۹۳: ۳۱ و ۳۰) دانسته می شود که وفاداری یکی از عناصر ضروری «حسن معاشرت» و «تشبیه مبانی خانواده» است. گرچه در قانون مدنی ایران صریحاً اشاره ای به تکلیف وفاداری نشده است ولی برخی از حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۶۲) آن را یکی از تکالیف زوجین دانسته و سکوت قانونگذار را به دلیل

^۱ تفسیر کتاب مقدس یهود

بدیهی بودن این تکلیف دانسته اند. عرف جامعه نیز بر این عقیده است که رابطه آزاد زن و مرد در هر حال ممنوع و ناپسند است به ویژه نسبت به کسی که همسر دارد. حتی در این خصوص، در منابع فقهی ما تأکید و سفارش زیادی شده است؛ از جمله در آیه ۳۴ سوره نساء آمده است: «فالصالحات قائنات للغیب بما حفظ الله...» که مفسران تعبیر کرده اند که زنان در غیاب همسر باید حقوق او را رعایت و ناموس (عرض) و اموال شوهر را از حرام حفظ کنند (طبرسی، ۱۳۷۷، ۱: ۲۵۴ و ۲۵۳). بنابراین زوجین این تکلیف را در برابر هم دارند که به یکدیگر وفادار بوده و از برقراری روابط نامشروع خودداری نمایند. زمانی می‌توان به این مهم دست یافت که هریک در امور جنسی فقط به همسر قانونی خویش توجه کند (سیدکابلی، ۱۳۹۶: ۱۱). پس عرف در اصل وفاداری زوجین نیز نقش مهمی دارد. تا جایی که برای نقض تکلیف وفاداری توسط هریک از زن و شوهر، علاوه بر عقوبت کیفری، ضمانت اجرایی حقوقی نیز در نظر گرفته شده است. اگر چنین تخلفی از سوی زن صورت گیرد، ناشزه محسوب شده و حق نفقه او ساقط می‌شود و نیز دلیل مناسبی بر مطالبه طلاق از سوی مرد است. اما در صورتی که نقض تکلیف وفاداری از سوی مرد بوده و رابطه نامشروع با زنان دیگر برای او به صورت عادت باشد، زن می‌تواند به موجب ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی و با وجود شرایط مقرر در ماده ۱۱۳۰ این قانون، تحت عنوان سوء معاشرت و عسر و حرج ازدادگاه تقاضای طلاق کند (محمدی سرپیری، ۱۳۹۳: ۵۱). البته اختیار همسر دوم با رعایت مقررات و اجرای عدالت، با وفاداری تعارضی ندارد (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۲۳). اما ازدواج مجدد بدون رضایت زن، خلاف تشدید مبنای خانوادگی محسوب شده و با ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی در تعارض قرار می‌گیرد.

۲-۳-۲. از دیدگاه مذاهب اهل سنت

اهل سنت معتقدند، هدف ازدواج، تشکیل کانون خانواده است که در آن زوجین به آرامش برسند و برقراری عشق، محبت و ارتباط قوی میان آنها به مصلحت زوجین و فرزندان آن دو می‌باشد. مقصود از وفاداری این است که هریک از زوجین روابط عاطفی، ارتباط جنسی به غیر همسرش نداشته باشد. پس واجب است هریک از زوجین نسبت به دیگری وفادار بوده و خیانتکار نباشد. مخالفت و ورزیدن با این واجب، سبب از میان رفتن صمیمیت و گرمی کانون خانواده می‌گردد (عبدالفتاح، ۱۴۱۴ق: ۱۵۸).

بنابراین عرف اهل سنت با قانون و شرع در تعارض نیست. همچنین عرف اهل تشیع و اهل سنت یکسان است.

۲-۳-۳. از دیدگاه ادیان رسمی

به علت تأثیر پذیری اقلیتهای دینی ایران (زرتشتی، مسیحی و کلیمی) از عرف جامعه اسلامی باید گفته شود: در ادیان رسمی نیز وفاداری و عدم خیانت نسبت به همسر خویش یکی از تکالیف زوجین است که سبب محکم شدن بنای خانواده می‌گردد. از دیدگاه عرف جامعه، مخالفت و ورزیدن این تکلیف، در حکم زنا می‌باشد؛ که آن را سبب حتمی طلاق می‌دانند (بند الف، ماده ۴۳ از مقررات احوال شخصیه زرتشتیان و بند ۱، ماده ۱۰۰، مقررات احوال شخصیه مسیحیان پروتستان، ۲۴/۸/۹۶) «زنا» از نظر آنان، همان علاقه و ارتباط جنسی میان هریک از زوجین با شخص دیگر می‌باشد. اما بد رفتاری و یا رابطه عاطفی و یا تلفنی، زنا محسوب نمی‌گردد و سبب طلاق

نیست؛ گرچه سلامت عاطفی، رفتاری و ارتباطی داخل خانواده را از بین برده و شخص سومی جای او را می‌گیرد (عبدالفتاح، ۱۴۱۴ق: ۱۵۹).

بنابراین عرف جامعه اسلامی با عرف اقلیت‌های دینی در تعارض نیست.

۳. حقوق غیرمالی خاص شوهر

از جمله حقوق غیرمالی مختص شوهر، سرپرستی او بر خانواده، حق تمکین و حق تعیین محل سکونت می‌باشد. با توجه به این که حق تمکین و تعیین مسکن از آثار سرپرستی خانواده و انفاق می‌باشد بدو به موضوع سرپرستی می‌پردازیم.

۳-۱. سرپرستی خانواده و نقش عرف در تبیین آن

ابتدا نقش عرف را در سرپرستی خانواده از دیدگاه فقه و حقوق ایران بررسی نموده و سپس از دیدگاه اهل سنت و ادیان رسمی تبیین می‌گردد.

۳-۱-۱. از دیدگاه فقه و حقوق ایران

هر اجتماعی به مدیری نیازمند است که به کارهای مردم رسیدگی نموده، امرآن را سامان دهد و در صورت بروز اختلاف، نظرواقاع باشد. خانواده نیز به عنوان یک اجتماع کوچک از این قاعده مستثنی نیست. اصولاً زن و شوهر باید با صفا و صمیمیت و توافق یکدیگر، امور خانواده را اداره کنند. اگر بین آن دو درباره مسائل مرتبط با خانواده و نحوه مدیریت آن اختلاف نظر پدید آید، نظر مدیر و سرپرست خانواده مقدم خواهد بود (موسوی زاده، ۱۳۸۹: ۱۱۲). در حقوق ما ریاست خانواده باشوهر است. ریاست شوهر امری است که ریشه در تاریخ دارد و در سیره علمای دین و عرف حاکم بر جامعه یک واقعیت غیر قابل انکار است. کمتر کسی مخالف ریاست شوهر بر خانواده است (خدادادپور، ۱۳۸۸: ۱۱۲). همچنین طبق روایتی (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ۱۴: ۲۶۰) از پیامبر اکرم (ص)، منظور از ریاست این است که مرد سرپرست و مسئول خانواده و زن نیز سرپرست و مسئول مال همسرش است که با تدبیر خود بتواند با صرفه جویی و مصرف بهینه، زندگی سالم و راحتی را در خانواده ایجاد نماید.

مهمترین آیه قرآن که در این رابطه می‌تواند مورد استدلال قرار گیرد، آیه شریفه «الرجال قوامون على النساء»^۱ است. این آیه مؤید این مطلب است که قوامیت مردان بر زنان عمومیت دارد و منحصر به شوهر نسبت به همسر نیست؛ بلکه حکمی است که بر نوع مردان و بر نوع زنان در جهات عمومی که نیازمند توانایی و قدرت ویژه ای مانند تأمین نفقه، لزوم پرداخت مهریه و قضاوت می‌باشد، جعل شده است. البته قوامیت، این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی و دفاع از منافع خویش سلب نماید؛ بلکه زن در ضمن استقلال

^۱ نساء/۳۴. «مردان سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر

قرار داده است. و به خاطر انفاق هایی که از اموالشان انجام می‌دهند.»

و آزادی در تصرف اموال خود، باید از شوهر خویش اطاعت کرده و شئون زوجیت را حفظ نماید. بنابراین، ریاست مرد بر زن در محدوده ی زندگی زناشویی و در حیطه ی خانواده و حفظ مصالح و آرامش این نهاد می باشد. قانونگذار نیز در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی، ریاست مرد بر خانواده را محدود به علقه ی زوجیت و تشکیل خانواده دانسته است (پروین، ۱۳۹۲: ۷۰). بنابراین عرف جامعه با قانون تعارضی ندارد. اما در بعضی از موارد از جمله؛ نظر آیت الله خویی (همان: ۷۲)، که معتقد به ریاست مطلق شوهر بر زن می باشد، عرف با شرع در تعارض می باشد.

۳-۱-۲. از دیدگاه مذاهب اهل سنت

از نظر اهل سنت نیز خانواده مانند هراجمت کوچک یا بزرگ رئیسی دارد که از خانواده حمایت می کند و به مشکلات آنان رسیدگی می نماید. پس از دیدگاه شرع، عقل و عرف و اجتماع، خانواده نمی تواند بدون رئیس باشد و از آنجا که مرد دارای قوت بدنی و قدرت کار و عمل است؛ ریاست خانواده با مرد است (بدران، ۱۴۱۸ق، ۱: ۱۹۲)، چنان که در قرآن هم آمده است: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ». بنابراین زوجه باید مطیع زوج بوده، نفس خود و مال زوج را، خواه در حال حضور یا غیبت زوج، حفظ کند. اما اطاعت زوجه از زوج کورکورانه نبوده و موجب ضایع شدن شخصیت و کرامت وی نمی شود، بلکه شوهر باید در شئون زندگی با زن مشورت نموده و در امور مهم خانوادگی او را سهیم گرداند. زوجه در آنچه مورد رضای خداوند نیست، از شوهر اطاعت نمی کند و اگر اوبله فعل حرامی فراخولند انجام نمی دهد (همان: ۲۷۲). زوجه نباید بدون اذن زوج، به کسی اجازه ورود به منزل داده و یا اموال شوهر را خرج کند (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۹۲).

گروهی از فقهای اهل سنت، ریاست مرد بر همسر را ریاست عام و مطلق در تمامی امور می دانند، از جمله زمخشری (مفسر اهل سنت) البته گروهی از فقهای شیعه نیز با آنان هم عقیده هستند؛ که در این مورد نظر عرف جامعه با شرع در تعارض می باشد. برخی مذاهب اهل سنت (شافعی) حق دیگری هم برای زوج در نظر گرفته اند که عبارت است از وظیفه زن در انجام امور خانه و کار در منزل، مانند: شست و شو، پخت و پز غذا و نظافت، اما حنفیه این حق را ذکر نکرده و علت آن را چنین بیان کردند که عقد ازدواج برای ایجاد رابطه زوجیت است؛ بنابراین مقتضای عقد، خدمت زن در منزل و انجام امور منزل نیست، بلکه تهیه منزل و مسکن مناسب به همراه نفقه بر عهده شوهر است (همان: ۱۹۵).

بنابراین نظر شافعی ها با قانون در تعارض است. از طرفی عرف جامعه، زن را موظف به انجام امور خانه می شناسد؛ در حالی که طبق تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی، از نظر شرع و نیز قانون مدنی، زن وظیفه ای در مقابل انجام امور منزل ندارد و می تواند برای انجام چنین خدماتی در منزل، اجرت المثل دریافت نماید. پس نظر حنفی ها با اهل شیعه و قانون سازگاری دارد.

برخی ازدادگاه‌ها مطابق عرف حاکم بر خانواده های ایرانی، براین نظرند که اساساً زن تبرعاً امور خانه داری از قبیل شوهرداری و نگهداری بچه و غیره را انجام می دهد و هیچگاه قصد او دریافت دستمزد نبوده است (رای بدوی شعبه ۲۳۸ دادگاه عمومی خانواده تهران، سایت پژوهشگاه قوه قضائیه، ۹۶/۸/۲۴).

۳-۱-۳. از دیدگاه ادیان رسمی

اهمیت نقش زن در خانواده یهودی غیرقابل انکار است. زیرا با توجه به وظیفه خطیری که زن در زندگی خانوادگی دارد، تورات او را از اجرای بعضی از فرایض دینی معاف کرده است (عزیزی خادم، ۱۳۹۳: ۷۵-۷۴).

آقای بوکر در کتاب خود می نویسد: «مسئولیت یک زن رتق وفتق امور خنله ی مرد یهودی و پرورش دادن فرزندان وی مطابق با شیوه ی سنتی است. زیرا یهودی بودن از مادر به ارث می رسد (همان: ۷۴)». بنابراین مردان سرپرست خانواده می باشند.

طبق عرف و عادات مسلمة زرتشتیان نیز، سرپرستی خانواده در طول زندگی با شوهر بوده ولی پس از فوت ویا محجور و ممنوع یا غایب مفقودالائرشدنش با زن وی است (ماده ۱۹، احوال شخصیه زرتشتیان، ۹۶/۸/۲۴).

طبق مقررات احوال شخصیه ارامنه گریگوری، زوج عهده دار وظیفه اداره خانواده بوده و تصمیمات مربوط به کلیه امور مهم مربوط به زندگی زناشویی را با جلب نظر زوجه اتخاذ می نماید (ماده ۳۶ احوال شخصیه ارامنه گریگوری). همچنین طبق مقررات احوال شخصیه مسیحیان پروتستان، سرپرستی خانواده با شوهر است، ولی اداره امور خانه از وظایف و تکالیف زن می باشد (ماده ۴۰، احوال شخصیه مسیحیان پروتستان ایران، ۹۶/۸/۲۴). بنابراین از نظر مسیحیان نیز مردان سرپرست خانواده می باشند با این تفاوت که بنابر نظر ارامنه گریگوری، زنان در تصمیم گیری امور مهم با مردان مشارکت دارند. پس عرف تمام ادیان رسمی غیر از مسیحیان ارامنه گریگوری همانند عرف شیعه و حنفی ها با جامعه امروز در تعارض است. زیرا مشاهده می گردد که در عرف جامعه امروزی، زنان در تصمیم گیری امور مهم زندگی زناشویی با مردان مشارکت دارند.

۳-۲. آثار سرپرستی مرد بر خانواده

تمکین، سکونت زن در خانه شوهر، کسب اجازه برای اختیار حرفه و صنعت، حق ولایت بر فرزندان، تغییر نام خانوادگی در عرف پس از ازدواج از جمله آثار سرپرستی و حقوق غیرمالی زوجین می باشد که در آن عرف نقش تعیین کننده دارد؛ اما به دلیل حجم زیاد مطالب، تمکین و سکونت زن در منزلی که شوهر تعیین نموده، مورد بررسی قرار می گیرد.

۳-۲-۱. تمکین و نقش عرف در تبیین آن

۳-۲-۱-۱. از دیدگاه فقه و حقوق ایران

تمکین، یکی از تکالیف زن است که «در لغت به معنای قدرت و سلطنت دادن (طریحی، ۱۳۷۵، ۶: ۳۱۷) می‌باشد. عنوان تمکین، در قانون مدنی ایران وجود ندارد و حقوق‌دانان از ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی (هرگاه زن بدون مانع مشروع ازادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.) «تمکین عام» و از ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی (زن می‌تواند تامهر به اوتسلیم نشده، از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند، مشروط بر این که مهر او حالاً باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.) عنوان «تمکین خاص» را استنباط نمودند. با عدم ارائه تعریف از تمکین در قانون، به این نتیجه می‌رسیم که در تفسیر قوانین مرتبط با این موضوع، باید به عرف مراجعه کرد. چنانچه در رأی دادگاه قم در رابطه با دعوی تمکین زوج به طرفیت زوجه، نقش عرف مشهود است. «از طرفی هم در عرف جامعه ما معمول و مرسوم است که دختر و پسری که باهم ازدواج می‌نمایند، زوج با انجام عروسی زوجه را به منزل خود می‌برد و معمولاً آغاز زندگی مشترک بین دختر و پسری که عقد نکاح بین آنان منعقد گردیده متوقف بر انجام مراسم عرفی از طرف زوج می‌باشد و در این گونه موارد انجام مراسم عروسی غالباً توافق نانوشته بین دختر و پسر به هنگام انعقاد عقد نکاح محسوب بوده و آغاز زندگی مشترک مشروط به آن می‌باشد و مادامی که دلیلی برخلاف این توافق ضمنی که عرف جامعه مؤید بر وجود آن بوده، اقامه و ابراز نشده زوج مکلف به انجام این توافق و شرط ضمنی بوده و نمی‌تواند بدون انجام مراسم عرفی عروسی، زوجه را به شروع زندگی مشترک و تمکین از خود دعوت نماید (شعبه نوزدهم دادگاه عمومی خانواده قم، سایت پژوهشگاه قوه قضائیه، ۹۶/۸/۲۴).

درفقه، پذیرش خواسته‌ها و مسئولیت شوهر در اداره نهاد خانواده از طرف زن، به تمکین عام و ایفاء وظایف زناشویی به تمکین خاص تعبیر شده است (مهری، ۱۳۷۸: ۹-۸). تمکین خاص ناظر به پذیرش برقراری رابطه جنسی در حد متعارف است که جز در مواردی که مانع موجهی داشته باشد، از برقراری رابطه جنسی با او سرباززند. اما معنای عام تمکین اشاره به حالتی دارد که زن وظایف خود را به طور کلی نسبت به شوهر انجام می‌دهد و با پذیرش ریاست وی بر خانواده در حدود مقرر در قانون، عرف و مصالح خانواده از وی اطاعت می‌کند. بنابراین چنین الزامی شامل توقعات نامشروع و غیرمتعارف مرد از همسرش نمی‌شود و مرد نمی‌تواند به بهانه هر نافرمانی و عدم اطاعتی زن را مستنکف از تمکین بداند چه بسا بسیاری از مواقع توقعات نامتعارف مرد را می‌توان از مصادیق سوء رفتار دانست (صفایی، ۱۳۸۷، ۱: ۱۴۶). مثلاً اگر شوهر زن را از ادای فرائض مذهبی بازدارد یا از زن بخواهد که اموالش را به او انتقال دهد.

بنابراین مفهوم تمکین نیز مانند ریاست شوهر، وابسته به رسوم اجتماعی و اخلاق عمومی است. درحقیقت معیار تمیز اموری که شوهر می‌تواند از زن انتظار داشته باشد، با عرف است و ضابطه تمکین عام، رفتار انسانی متعارف است که در آن شرایط خاص زندگی می‌کند. بنابراین جنبه نوعی و غیرشخصی دارد.

از دیدگاه اهل سنت، زن باید خود را تسلیم کرده و تمکین نماید، والا ناشزه بوده و نفقه ندارد. ناشزه از نظر اهل سنت، زنی است که بدون اذن شوهر و به غیرحق از منزل خارج شده یا از تسلیم خود امتناع کرده و داخل منزل شوهر نشود، اما اگر در آمیزش اطاعت نکند، هرچند این کار حرام است، موجب سقوط نفقه نمی شود؛ چون حق حبس که موجب استحقاق نفقه است وجود دارد (بدران، ۱۴۱۸ق، ۱: ۲۳۵).

اگر زن در منزلی که ملک خودش می باشد، سکونت داشته و از ورود شوهر ممانعت کند، ناشزه محسوب می شود. اگر بدون اذن شوهر خارج شده و سپس برگشت کند، نفقه عود می نماید. منظور از اینکه گفته شد، زن به غیرحق از منزل خارج شود، مواردی است که زن برای خروج، دلیل و مجوز شرعی نداشته باشد، اما در مواردی که به حق بوده؛ مانند اینکه شوهر مهر را نپرداخته یا زن برای دیدن پدر و مادرش خارج شده باشد، نفقه ساقط نمی شود (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۷۶).

در تمام این موارد باید گفت: عرف و سنت که همان آداب و رسوم است که بیشتر در رفتار و زندگی عملی انسان‌ها پدید آمده، و اکثر مردم بدان پایبند و معتقد هستند، اغلب جنبه قانونی، تدوینی و نوشتاری نداشته، ولی آنچنان مردم بدان خو گرفته و عادت کرده‌اند که طبیعت ثانی و سرشت دوم آنان شده که کمتر می‌توانند از پیروی آن سرپیچی کنند.

۳-۲-۱-۳. از دیدگاه ادیان رسمی

در آیین زرتشتی تمکین در لغت به معنای تن دادن و پذیرفتن است و در اصطلاح حقوقی منظور از تمکین، حسن معاشرت زن با شوهر، پذیرش ریاست شوهر بر خانواده از جانب زن و اطاعت صمیمانه در امور مربوط به زناشویی است. در آیین زرتشتیان در هنگام گواه‌گیری (عقد ازدواج)، پس از دریافت پاسخ (بله) از عروس و داماد، در حضور حضار توسط روحانی زرتشتی، ازدواج رسمی می‌شود و طرفین از نظر شرعی، قانونی و عرفی تکلیف دارند که با یکدیگر تمکین کرده و یاری رسان یکدیگر باشند. از آنجا که امر ازدواج یک امر کاملاً روحی و عاطفی است، اگر طرفین به هر دلیلی که برای خودشان محترم است، مایل به تمکین نباشند، به شرطی که زوج مقابل، موارد تمکین را به انجام رساند، باید خسارت قانونی و عادلانه آن را بپردازد، تعیین میزان خسارت بسته به داوری دادگاه با توجه به مفاد احوال شخصیه زرتشتیان می‌باشد (انجمن موبدان تهران، ۹۶/۸/۲۴) به نظرمی‌رسد میان عرف زرتشتی و عرف جامعه و رویه قضایی به معنی عام کلمه هماهنگی وجود ندارد. زیرا لزوم پرداخت خسارت در مقابل عدم تمکین زوج یا زوجه امری بدیع است و چنین سابقه‌ای در آراء دادگاه‌ها دیده نمی‌شود.

مسیحیان ازدواج را التزام و تعهد در طول زندگی می‌شمارند و با طلاق و تجدید فراش در زمان حیات همسر مخالفند. در میان کاتولیک‌ها زن و شوهر پس از ازدواج به منزله جسم واحد بوده و دوفرد نیستند که بتوانند از یکدیگر جدا شوند. لذا به هیچوجه جدایی و نیز تعدد زوجات را تجویز نمی‌کند و آن را از محرمات می‌داند (افشار، ۱۳۸۵: ۱۲۰). دربند «ط» و «ی» ماده ۴۳ مقررات احوال شخصیه ارامنه گریگوری که به مذهب ارتدوکس نزدیک

است، به مسئله عدم تمکین هرکدام از زوجین اشاره شده است که موجبات طلاق هر یک از زوجین می‌گردد. از نظر مسیحیان کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس، اصولاً برای هیچیک از زن و مرد حق طلاق وجود ندارد و طلاق امری ناپسند و حرام است و موارد جایز آن بسیار محدود و حصری است مثل ارتکاب زنا. بنابراین از نظر مذاهب مسیحی طلاق توافقی مردود است و این منع با عرف جامعه در تضاد است.

در آیین یهود طلاق به طور مطلق و انحصاری در اختیار مرد می‌باشد. اما در مواردی مرد با اجازه دادگاه و تأیید آن زن را طلاق می‌دهد که یکی از آن موارد اهانت شدید زن به شوهر و عدم تمکین زن می‌باشد، همچنین درخواست طلاق زن با اجازه دادگاه و تأیید آن در صورت اجبار زن به تمکین از شوهر می‌باشد (پایگاه حوزه، ۱۷۸۴۱، ۹۶/۸/۲۴). که این علل نشان دهنده اهمیت سازگاری، حسن معاشرت و تمکین زوجین در نشاط و استحکام زندگی خانوادگی می‌باشد که متناسب با عرف و فرهنگ جامعه صادر شده است.

۳-۲-۲. اختیار تعیین منزل مشترک و نقش عرف در تبیین آن

۳-۲-۲-۱. از دیدگاه حقوق ایران

هدف اصلی نکاح این است که زن و مرد به واقع تشکیل خانواده بدهند و رسیدن به این هدف با جدایی آنان امکان پذیر نیست. زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی کند تا از حق نفقه برخوردار گردد (ماده ۱۱۴ قانون مدنی). شوهر نیز وظیفه دارد که او را در محل سکناى خود بپذیرد. قانون مدنی در باب وظیفه شوهر حکم صریحی ندارد، ولی عرف مسلم، آن را از لوازم حسن معاشرت با زن می‌داند. البته این امکان وجود دارد که طرفین ضمن عقد یا بعد از آن، اختیار تعیین منزل را به زن بدهند. قابل توجه است که مرد از حق اختیار تعیین محل سکونت مشترک، نباید سوء استفاده نماید بلکه محل زندگی مشترک باید متناسب با زندگی و نیاز و عرف خانواده باشد و به قصد اضرار و ایذاء صورت نگیرد. در غیر این صورت، دادگاه تصمیم لازم را در حل اختلاف می‌گیرد. شوهر نمی‌تواند زن را وادار کند که با خویشاوندان او در یک محل زندگی کنند مگر اینکه چاره‌ای نباشد و ضرورت مالی یا اخلاقی آن را ایجاب کند. همچنین زن حق خروج از منزل بدون اذن مرد ندارد. این حق محدود به زمان و مکان خاصی نیست و به اراده و درخواست مرد بر زن واجب می‌شود. البته این حق، اجازه زندانی کردن زن در منزل و قصد اذیت و آزارسانی به زن را نمی‌رساند. مرد نمی‌تواند زمانی که خود منزل نیست زن را در خانه نگه داشته و او را از امور خارج از منزل اعم از دیدار فامیل و اشتغال منع نماید (وطني، ۱۳۸۸، ۱: ۲۴).

پس نتیجه می‌گیریم؛ زن باید از مرد در تعیین محل اقامتگاه و مسکن، و منع خروج از منزل تبعیت نماید؛ مگر آن که مرد این اختیار را به زن داده باشد. همچنین عرف جامعه امروزی با قانون در تضاد است. زیرا زنان امروزی منع خروج از منزل بدون اجازه شوهر را از موانع استقلال و آزادی خود می‌دانند.

در بعضی موارد امکان دارد که بودن زن با شوهر در یک منزل، متضمن خوف ضرر بدنی یا شرافتی برای زن باشد؛ در این گونه موارد قانونگذار این اجازه را داده است که زن بدون اینکه از حق نفقه خود محروم شود در خانه‌ای جدا از شوهر زندگی کند (ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی).

۳-۲-۲. از دیدگاه اهل سنت

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ» از جمله حقوق زوج بر زوجه این است که زوجه در مسکنی که برای او مهیا شده مقیم شود، مشروط بر این که مقدار مهریه ی نقد او پرداخت شده و مسکن نیز از نظر شرعی مناسب با حال زوجه باشد. که عرف تعیین کننده آن می‌باشد. اهل سنت، مقتضای رابطه زوجیت را در این می‌دانند که زوجه بدون اذن زوج از منزل خارج نشود زیرا آنان بر این عقیده هستند که گاهی خروج زن از منزل موجب فتنه و اختلال در نظام خانواده می‌گردد. از جمله مواردی که زن حق دارد بدون اذن شوهر از منزل خارج شود، خروج برای دیدار پدر و مادر هر هفته یک بار و سایر محارم هر سال یک بار است. البته بهتر است نحوه دیدار و تعداد آن به عرف واگذار شده و حال زوجه و اقارب او مراعات گردد (بدران، ۱۴۱۸ق، ۱: ۲۷۳). از موارد مذکور نتیجه می‌گیریم؛ نقش عرف در تعیین مسکن زوجه میان اهل سنت و شیعه تعارضی نیست. از نظر منع خروج زن از منزل، در کلیت تعارضی ندارند، اما از نظر محدوده خروج، تعارض دارند. ملاک و معیار تشخیص با عرف است. اما عرف جامعه امروزی لزوم کسب اذن زوجه از زوج برای خروج از منزل را نمی‌پسندد.

۳-۲-۳. از دیدگاه ادیان رسمی

طبق تبصره یک از ماده ۲۷ احوال شخصیه زرتشتیان، هرگاه ثابت شود که شوهر نسبت به زن خود به گونه‌ی ستم و بی‌رحمی روا داشته که خطر جانی، مالی و شرافتی داشته و ادامه زندگی آنان پس از اندر زهای بزرگترها و رسیدگی شورای حل اختلاف انجمن زرتشتیان محل سکونت میسر نیست، زن می‌تواند تا دو سال جدایی اختیار کرده، در منزل دیگری اقامت کند و شوهر وظیفه دارد نسبت به درآمد خود و در خور شخصیت و احتیاج زن، مخارج او را در منزل جداگانه پرداخت نماید.

در کشورهای اروپایی که عموماً مسیحی بودند، تا دو قرن پیش طلاق وجود نداشت و چون از طرفی دوام بعضی زناشویی‌ها غیر قابل تحمل بود، از طریق «تفریق جسمانی» اقدام می‌کردند. یعنی زن و شوهری که به هیچ وجه نمی‌توانستند با هم بسازند در خانه‌های جداگانه‌ای زندگی می‌کردند ولی وظایف و تکالیف زناشویی از قبیل وفاداری به همسر پابرجا می‌ماند و تنها مرد وظیفه انفاق و زن وظیفه تمکین را نداشت. نه مرد می‌توانست زن بگیرد و نه زن می‌توانست شوهر اختیار کند و روابط نامشروع هر یک نیز قابل تعقیب بود. مدت این جدایی سه سال پیش بینی شده بود که پس از آن ناچار به زندگی مشترک بودند (پایگاه حوزه ۱۷۸۴۱، ۹۶/۸/۲۴).

یهودیان، بعد از فروپاشی معبد دوم (۷۰ سال بعد از میلاد) توسط رومیان، شاهد عرفی شدن نظام حقوقی شدند. وظایف شوهر در قبال همسر، تأمین غذا، مسکن و پوشاک و داشتن رابطه جنسی با او در مواقع مورد توافق، بود. جزئیات این شرایط به اوضاع و احوال و طرفین قرارداد بستگی داشت. (یشایابی، ۱۳۹۷/۸/۲). پس دانسته می‌شود عرف تمام ادیان رسمی (اعم از زرتشتی، مسیحی و یهودی) این است که زن در منزلی که شوهر تعیین کرده، سکونت دارد. از این نظر تعارضی میان عرف و قانون نیست.

نتیجه

در این مقاله با بررسی بخشی از حقوق غیرمالی زوجین و توجه به نقش حیاتی و تأثیرگذار خانواده، روشن شد که در سیستم حقوقی هرکشوری توجه به عرف ضروری است. زیرا عرف، از توقف و عقب ماندن حقوق جلوگیری کرده و آن را همواره با نیازهای مردم، هماهنگ نگاه می‌دارد. همچنین عرف، نقش ویژه ای در استنباط احکام شرعی و فقهی دارد. عقل بشری تحت تأثیر عرف است. بنابراین قانونگذار بسیاری از قوانین مربوط به حقوق مشترک غیرمالی زوجین از جمله: حسن معاشرت، معاضدت در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد، وفاداری را با معیار عرف داوری نموده است؛ که تمامی این موارد از نظر حقوقدانان، مفهوم عرفی داشته و حدود آن‌ها با توجه به عرف و عادت و مقتضیات زمان و مکان تعیین می‌شود. در میان اهل سنت و ادیان رسمی نیز زوجین مکلف به حسن معاشرت و معاضدت در استحکام بنای خانواده و تربیت اولاد و وفاداری و عدم خیانت نسبت به همسر خود می‌باشند ولی از این جهت که فرهنگ، عرف و عادات مسلم آنان با اهل شیعه و حقوق ایران در برخی جهات متفاوت می‌باشد؛ گاهی شاهد تعارض میان عرف با قانون و با شرع هستیم. با بررسی و مطالعه حقوق غیرمالی مختص شوهر و ریاست مرد بر خانواده این نتیجه حاصل شد که ریاست مرد به معنای سلطه و سالاری نیست. بلکه قوامت مرد بر همسر خود به معنای نوعی نظارت بر امور زن است که طبیعتاً ریاست نیز از لوازم این نوع نظارت و مراقبت محسوب می‌شود. حکم قوامیت مرد بر زن از نظر زوجیت است؛ پس بر زن واجب است که از شوهر خویش اطاعت کرده و شئون زوجیت را حفظ نماید. همچنین دانسته شد که ریاست مرد بر خانواده به عنوان وظیفه اجتماعی و مسئولیتی در جهت کاراندیشی و حفظ مصالح خانواده است. بنابراین نظر عرف جامعه با قانون تعارضی ندارد. اما بنابر نظر عده ای از فقها (مرحوم آیه الله خوئی) که معتقد به ریاست مطلق شوهر بر زن هستند نظر عرف با شرع در تعارض می‌باشد. گروهی از فقهای اهل سنت نیز،

ریاست مرد برهمسر را ریاست عام و مطلق در تمامی امور می‌دانند. از جمله زخم‌خسری که در این مورد نظر عرف جامعه با شرع در تعارض می‌باشد. برخی مذاهب اهل سنت (شافعی) حق دیگری (از جمله؛ تکلیف انجام امور خانه و کار در منزل توسط زوجه) برای زوج در نظر گرفته‌اند؛ که در این مورد، نظر عرف جامعه با شرع و قانون تعارض دارد. همچنین عرف تمام ادیان رسمی غیر از مسیحیان ارامنه گریگوری همانند عرف شیعه و حنفی‌ها با عرف جامعه در تعارض است. نتیجه دیگر این که تمکین در عرف حقوقی ما دو معنی عام و خاص دارد که مانند ریاست شوهر، وابسته به رسوم اجتماعی و اخلاق عمومی است و در حقیقت شوهر حق ندارد بیش از اندازه متعارف از زن انتظار داشته باشد و این که توجه به نقش زمان و مکان، عرف و اخلاق اهمیت زیادی در تعیین مصادیق تمکین عام دارد. در مورد تمکین خاص نیز، عرف و اخلاق داوری نهایی را به عهده دارد. نتیجه آخر این که زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی گزیند و شوهر نیز وظیفه دارد که او را در محل سکناى خود بپذیرد. قانون مدنی در باب وظیفه شوهر حکم صریحی ندارد، ولی عرف مسلم، آن را از لوازم حسن معاشرت با زن می‌داند. تعیین محل زندگی مشترک باید متناسب با زندگی و نیاز و عرف خانواده باشد و به قصد اضرار و ایذاء صورت نگیرد. از نظر ادیان رسمی هم زنان در منزلی که شوهر تعیین می‌کند، ساکن می‌شوند. بنابراین نقش عرف در تعیین مسکن زوجه میان اهل سنت و شیعه و ادیان رسمی تعارضی نیست. همچنین از نظر منع خروج زن از منزل، میان شیعه و اهل سنت در کلیت تعارضی نیست؛ اما از نظر محدوده خروج، تعارض دارند. ملاک و معیار تشخیص با عرف است. به نظر نمی‌رسد که عرف موافق لزوم کسب اذن زوجه از زوج برای خروج از منزل باشد.

پیشنهادات

با توجه به اینکه حقوق و وظایف زوجین از اموری است که دین مبین اسلام برای تحکیم خانواده و رشد و بالندگی آن وضع نموده و همچنین با توجه به فقه غنی و پویای شیعه و درسایه پربرکت آموزه‌های ناب اخلاقی قرآن، قوانین و مقررات حاکم بر روابط همسران، فقط باید به سمت و سوی آرامش در جریان باشد؛ این نوع باید های حقوقی که مرد حق دارد محل سکونت را تعیین کند و زن فقط باید مطیع باشد، یا عدم خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر و تأدیب زن با دستورات اخلاقی قرآن و عرف جامعه امروزی، سازگاری ندارد؛ افزون بر آن، قرآن به رغم شناسایی اختیارات مردان، از آنها می‌خواهد که زنان را تحت فشار قرار ندهند و با توجه به مقتضیات زمان و مکان، از فقهای عظام انتظار می‌رود که با توجه خاص نسبت به مسائل مربوط به خانواده، خصوصاً مسائل مذکور در امور غیرمالی زوجین که مربوط به مسئله ریاست مرد بر خانواده، می‌باشد؛ دقت و توجه وافی در زوایای مبهم آن نموده و فتاوی مطابق با شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر عرف خانواده های امروزی را صادر نمایند و از آن جایی که منبع اصلی قوانین حقوقی از فقه امامیه گرفته شده است که از جمله این موارد مسائل مربوط به حقوق خانواده است، پس حقوقدانان و صاحب نظران نیز با درک شرایط حاکم بر جامعه ی حاضر، بایستی به سراغ حل مسائل مشکلات حقوق خانواده و راهکارها و راه حلهای مقتضی و مناسب بروند تا با یاری گرفتن از نظرات فقها و استفتائات آنها و کمک علما و صاحب نظران حقوق، با بازنگری و با تصویب قوانین جدید در صدد حل مشکلات حاکم بر بحث ریاست مرد بر خانواده برآید.

منابع

قرآن کریم

- امامی، سیدحسن (۱۳۷۲)، "حقوق مدنی خانواده". تهران: اسلامیه، چاپ شانزدهم، ج ۴.
- افشار، بهروز (۱۳۸۵)، "بررسی موارد جواز طلاق از دیدگاه فرق مسیحی". پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، مجله تخصصی نور، زمستان، شماره ۶، ص ۱۱۹-۱۲۸.
- برندق، محمد روحی، فصیح، منصوره، کیخا فرزانه، محمد امین (۱۳۹۵)، "تبارشناسی عرف در فقه امامیه و حقوق ایران"، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، پاییز و زمستان، سال ۸، شماره ۱۵، ص ۲۰۱-۲۲۴.
- بیستونی، محمد (۱۳۸۴)، "از دواج از دیدگاه قرآن و سنت"، تهران: نشر بیان جوان، ج ۱.
- پروین، فرهاد و حسینی، وحیده (۱۳۹۲)، "شرایط، قلمرو و آثار فقهی و حقوقی ریاست زوج در رابطه بازوجه"، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، بهار و تابستان، سال دوم، شماره سوم، ص ۹۴-۶۵.
- تقدیری، علی، «مرجعیت عرف از دیدگاه مذاهب اسلامی» (۱۳۸۳)، طلوع، تابستان، شماره ۱۱-۱۰، ص ۵۵-۱۱.
- جبار گلباغی ماسوله، سیدعلی (۱۳۷۸)، "درآمدی بر عرف". قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ج ۱.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۴)، "مقدمه عمومی علم حقوق"، تهران: گنج دانش، چاپ دهم.

- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۶۹)، "جایگاه شریعت سلف و عرف در منابع اجتهاد"، کیهان لنڈیشه، آذر و دی، شماره ۳۳، ص ۲۱-۳.
- جوکار، محبوبه (۱۳۹۰)، "حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر اخلاقی، فقهی و حقوقی"، فصلنامه پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده (طهورا سابق)، سال چهارم، بهار، شماره ۸، ۱۱۶-۷۹.
- خدادادپور، منیژه (۱۳۸۸)، "مسئولیت مدنی در روابط زوجین"، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
- سیستانی، سیدعلی (۱۴۲۶ق)، "توضیح المسائل، چاپ بیست و چهارم"، قم: دفتر آیت الله العظمی سیستانی دام ظلّه.
- سیدکابلی، حجت (۱۳۹۶)، "بررسی نقش حقوق و تکالیف زوجین در حفظ نظام خانواده ها از منظر قانون مدنی"، کنفرانس دانشگاه آزاد اسلامی، ۲۱ تیرماه، ص ۱۵-۱.
- شیخ الاسلامی، سیداسعد (۱۳۶۷)، "بحث تطبیقی در باب حضانت و احکام آن در مذاهب پنجگانه اسلامی"، مجله علمی، پژوهشی مقالات و بررسی ها، دانشگاه الهیات و معارف اسلامی، زمستان و بهار، شماره ۴۴-۴۳.
- صادقی، محمد (۱۳۹۴)، "احوال شخصیه اهل سنت (نکاح) در مذهب شافعی" تهران: خرسندی، چاپ دوم.
- صفایی، سیدحسین، امامی، اسدالله (۱۳۸۷)، "حقوق خانواده"، تهران: دانشگاه تهران، چاپ یازدهم، ج ۱.
- صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۰)، "مختصر حقوق خانواده"، تهران: میزان، چاپ ۲۸.
- عزیزی خادم، معصومه، یارحسینی، علی (۱۳۹۳)، "بررسی نقش زن در یهودیت"، تهران: فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، زمستان، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۸۵-۷۱.
- قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۹۵)، "تفسیر قانون مدنی: اسناد، آراء و اندیشه های حقوقی"، تهران: سمت، چاپ نخست.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۸)، "حقوق مدنی خانواده"، تهران: بهنشر، چاپ دوم، ج ۱.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، "دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده"، تهران: میزان، چاپ ۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، "مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران"، تهران: شرکت انتشار، چاپ ۷۹.

- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۴)، "بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن"، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
 - محمدی سرپیری، فریده و رفیعی فروشانی، احمدرضا و خامسی پور، فرسیما، (۱۳۹۳)، "ماهیت وفاداری زوجین از دیدگاه حقوقی، فقهی و روانشناسی و جایگاه آن در خانواده"، تهران: فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، زمستان، سال نهم، شماره ۲۹، ص ۶۱-۲۹.
 - مرادخانی، احمد (۱۳۹۴)، "احکام خانواده و نشوز مرد در کتاب التفسیر مسند امام رضا (ع)"، تهران: فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، بهار، سال یازدهم، شماره سی و نه، ص ۹۹-۱۱۶.
 - معین، محمد (۱۳۸۶)، "فرهنگ معین"، تهران: آدنا، کتاب راه نو، چاپ چهارم، ج ۱.
 - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۴)، "تفسیر نمونه"، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۲۳، ج ۱۶.
 - موسوی زاده، سیدجواد، ساجدی، مهدی (۱۳۸۹)، "بررسی مدیریت و سرپرستی خانواده از دیدگاه فقه اسلامی"، تهران: پژوهش های فقهی، پاییز و زمستان، سال ۶، شماره سوم، ص ۱۴۴-۱۱۱.
 - مهری، هما (۱۳۷۸)، "حقوق و تکالیف زن و شوهر از نگاه قانون-۲"، تهران: مجله تخصصی نور، حقوق زنان، تیرو مرداد، شماره ۱۰، ص ۸-۹.
 - میرخانی، عزت السادات (۱۳۸۰)، "رویکردی نوین در روابط خانواده"، تهران: سفیر صبح، چاپ نخست.
 - میرشمسی، فاطمه (۱۳۸۰)، "حضانت از دیدگاه فقه امامیه و سایر مذاهب اسلامی"، تهران: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، پاییز، شماره ۵۳، ص ۱۷۰-۱۵۱.
 - وطنی، معصومه (۱۳۸۸)، "حقوق وظایف زن و شوهر در قرآن و کلام اهل بیت علیهم السلام"، قم: نشر زائر، چاپ اول، ج ۱.
 - یزدی، امید (۱۳۹۲)، "حقوق خانواده"، تهران: کتاب آوا، چاپ اول.
 - یوسف صنعتی، زینب (۱۳۸۹)، "بررسی قاعده معاشرت به معروف در روابط زوجین مفاهیم و مبانی، کارکردها"، استاد راهنما: علی احسان تاریمرادی، دانشگاه بوعلی سینا.
- (ب) عربی
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، "تفسیر القرآن العظیم"، بیروت، لبنان: دارالکتب العلمیه، ج ۲.
 - ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۱۴ق)، "لسان العرب"، بیروت، لبنان: دارالفکر للطباعة، ج ۹.
 - بدران، ابوالعینین (۱۴۱۸ق)، "الفقه المقارن للاحوال الشخصیه"، بیروت، دارالنهضة العربیه، چاپ اول، ج ۱.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، "وسائل الشیعه"، محقق: حسینی جلالی، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ سوم، ج ۲۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۶)، "الفصول المهمه (تکمله الوسائل)"، محقق: قائنی، محمد، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ج ۲.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۷)، "مفردات الفاظ قرآن"، تحقیق: غلامرضا خسروی، تهران: مکتبه المرتضویه، چاپ ۴، ج ۲.
- رشیدرضا، محمد (۱۳۴۲ق)، "تفسیر المنار"، بیروت: دارالمعرفه، چاپ دوم، ج ۴.
- شیخ صدوق، محمد بن بابویه القمی (۱۴۱۰ق)، "من لایحضره الفقیه"، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۵)، "مکارم الاخلاق"، مترجم: میرباقری، ابراهیم، تهران: نشر فراهانی، ج ۱.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، "تفسیر جوامع الجامع"، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نخست، ج ۱.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، "مجمع البحرین"، محقق: حسینی اشکوری، تهران: مکتبه المرتضویه، چاپ سوم، ج ۶.
- عبدالفتاح، محمد ظافر کبّاره (۱۴۱۴ق)، "الزواج المدنی، دراسه مقارنه" قم: دارالندوه الجدیده، چاپ اول.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۲۴ق)، "کتاب العین"، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ق)، "الکافی" به اهتمام: درایتی، محمد حسین، قم: مؤسسه دارالحدیث، چاپ اول، ج ۱۱.
- مظفر، محمد رضا (۱۴۰۵ق)، "اصول الفقه"، قم: نشر اسماعیلیان، چاپ ۵، ج ۳.
- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، "مستدرک الوسائل"، بیروت: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ دوم، ج ۱۴.

ج) منابع الکترونیکی

- آیین نامه احوال شخصیه مسیحیان پروتستان ایران، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، <http://www.rc.majlis.ir>، تاریخ بازدید: ۹۶/۸/۲۴.
- آیین نامه احوال شخصیه زرتشتیان، www.hamazoor.com، تاریخ بازدید: ۹۶/۸/۲۴.
- آیین نامه احوال شخصیه ارامنه گریگوری، <http://www.behboo.ir>، تاریخ بازدید: ۹۶/۸/۲۴.

- انجمن موبدان تهران، تمکین درکیش زرتشتی، <http://www.berasad.com>، تاریخ بازدید: ۱۳۸۸، ۹۶/۸/۲۴.
- پایگاه حوزه ۱۷۸۴۱، نظرا دیان مختلف درباره طلاق، <https://hawzah.net>، تاریخ بازدید: ۹۶/۸/۲۴، ۱۳۸۹.
- سایت پژوهشگاه قوه قضائیه، <http://ijri.ir>، تاریخ بازدید: ۹۶/۸/۲۴.
- میدراش، تفسیر کتاب مقدس یهود- یکی از کتاب های دینی یهودیان، <https://www.fa.wikipedia.org>، تاریخ بازدید: ۹۶/۸/۲۴.
- یشایابی، مرجان، توران بهرامی، هویت زن در آیین یهود، www.vista.ir، تاریخ بازدید: ۱۳۹۷/۸/۲.